

سازوکارهای اجرای تعهدات و عواقب نقض آن در سازمان جهانی تجارت

حسن مرادی*

استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمدتقی رضائی

مربی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی لارستان

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۹/۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۲/۵)

چکیده:

متون حقوقی سازمان جهانی تجارت شامل بیش از ۶۰ موافقت‌نامه و پیوست، آنها تصمیمات و تفاهم‌نامه است که تعهدات بی شماری را در بر می‌گیرد و دولت‌های عضو موظف به رعایت و اجرای درست آن‌ها هستند. اجرای صحیح این همه تعهدات مستلزم سازوکارهایی موثر است. در این سازمان دو سازوکار اصلی پیش‌بینی شده است: اول، کنترل و نظارت از طریق ارگان‌های نظارتی مانند کنفرانس وزیران، شورای عمومی، شورای تجارت کالا، شورای تجارت خدمات و شورای تجارت امور مرتبط با مالکیت معنوی؛ دومین، سازوکار اصلی توسل به رکن حل و فصل اختلاف است که همه اعضای سازمان صلاحیت اجباری آن را پذیرفته‌اند. این رکن علاوه بر حل و فصل اختلاف بر مراحل اجرای احکام و توصیه‌ها نظارت کرده و می‌تواند مجوز اقدامات تلافی‌جویانه را علیه کشور محکوم علیه صادر نماید. به نظر می‌رسد این دو سازوکار در اجرای تعهدات در این سازمان موثر بوده است.

واژگان کلیدی:

سازمان جهانی تجارت، اجرای تعهدات، حل اختلافات.

مقدمه

تاسیس سازمان جهانی تجارت در آخرین دهه قرن بیستم رویدادی مهم بود که پس از حدود ۶۰ سال از طرح اولیه تاسیس سازمانی بین‌المللی تجارت (ITO) (International Trade Organization) برای پرداختن به امور تجاری جهانی بالاخره به تحقق پیوست. پیشنهاد تاسیس سازمان بین‌المللی تجارت پس از جنگ جهانی دوم با مداخله دولت‌های بزرگ نظیر آمریکا اقبالی نیافت و لذا تشکیلاتی غیررسمی در قالب موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات سابق) بین ۲۳ کشور مذاکره کننده تاسیس شد و پس از حدود ۶۰ سال و بلوغ رسیدن این نظام از دل آن سازمان جهانی تجارت سر برآورد. پایه‌های این سازمان در پی دوره‌های متعدد مذاکرات تجاری که آخرین آن‌ها حدود هشت سال به طول انجامید ریخته شد و نهایتاً در سال ۱۹۹۴ پس از مذاکرات طولانی و طاقت فرسای جهانی در دور اروگوئه و عدم حصول نتیجه، با ایده جدید مطرح شده برای ایجاد این سازمان از اول ژانویه ۱۹۹۵ رسماً کار خود را آغاز کرد. حاصل مذاکرات انجام شده هزاران صفحه اسناد حقوقی لازم الاجرا شامل یک اعلامیه، یک سند نهایی و ۶۰ موافقت‌نامه و پیوست‌های آن‌ها و تصمیمات و تفاهم‌نامه‌هاست که مملو از تعهدات گوناگون دولت‌های امضاء کننده آن‌ها می‌باشد. مهم‌ترین این اسناد یک موافقت‌نامه فراگیر تحت عنوان موافقت‌نامه تاسیس سازمان جهانی تجارت و سه موافقت‌نامه اصلی برای هر یک از سه حوزه گسترده تجارت یعنی تجارت کالا، تجارت خدمات و تجارت جنبه‌های تجاری مالکیت فکری است. تصویب این اسناد باعث تغییر ماهیت حقوقی گات سابق و تبدیل آن به یک سازمان تمام عیار بین‌المللی گردید که حقوق و تعهداتی خاص را برای اعضای خود در بردارد. هر دولتی با تصویب این اسناد بدانها ملزم گردیده و متعهد به رعایت آنها می‌باشد. در این اسناد سازوکارهایی خاص برای نظارت بر اجرای آنها نیز در نظر گرفته شده است که می‌تواند تا اندازه زیادی اجرای تعهدات سازمان را تضمین نماید. به علاوه این تعهدات از طریق توسل به نظام حل و فصل اختلافات که جنبه اجباری دارد نیز قابل اجراست.

گفتار اول: نظارت بر اجرای تعهدات

نظارت بر اجرای تعهدات در درون هر سازمانی می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای مهم و قاطع اجرای تعهدات و ضمانت اجرایی آنها تلقی شود. در سازمان جهانی تجارت سازوکارهای اجرایی متعدد برای اجرای صحیح تعهدات و نظارت بر آن‌ها پیش بینی شده که خود از عوامل موثر در اجرای آنها و ضمانت اجرایی آنها محسوب می‌شود. در واقع نظام سازمان جهانی تجارت به گفته پاسکال لامی مدیر کل فعلی این سازمان دو ویژگی اساسی دارد

که عبارتند از: قواعد معتبر و سازوکارهای اجرایی (Lamy, 2007, p:970) و در واقع این دو ویژگی اساسی ضامن تداوم این نظام چند جانبه تجاری است.

– نظارت قبل از عضویت

عضویت در سازمان جهانی تجارت مانند سایر سازمان‌های بین‌المللی امری داوطلبانه است و هر یک از دولت‌های متقاضی الحاق به این سازمان نه تنها اجباری در پیوستن به آن ندارند بلکه حتی برای الحاق به آن باید راهی طولانی را بپیمایند و تغییراتی در نظام‌های اقتصادی خود ایجاد نمایند تا شایستگی لازم و کافی برای ورود به این باشگاه اقتصادی جهانی را کسب کنند. سازوکارهای الحاق به سازمان که گاهی سال‌ها به طول می‌انجامد دولت داوطلب الحاق را آماده پذیرش و اجرای تعهدات این سازمان می‌نماید. دوره عضویت به عنوان عضو ناظر خود راهکار مناسبی برای آشنایی دولت داوطلب با نظام قواعدی است که در آینده نزدیک و پس از الحاق باید به آن‌ها ملزم گردد و آن‌ها را اجرا نماید. در حال حاضر بیش از ۳۰ کشور جهان متقاضی الحاق به سازمان جهانی تجارت هستند (WTO, 2007, p:112) و مذاکرات خود را جهت الحاق به این سازمان انجام می‌دهند. مذاکرات الحاق در واقع نخستین قدم در راه نظارت سازمان بر اقتصاد ملی هر دولت متقاضی است. با تشکیل یک گروه کاری خاص پس از پذیرش تقاضا، متقاضی باید مذاکرات دو جانبه با تک تک اعضای گروه کاری در مورد دسترسی آن‌ها به بازار خود را انجام داده و امتیازاتی درباره کالاها، خدمات و مالکیت معنوی را ارائه کند (فاخری، ۱۳۸۶، ص: ۱۱۲). به عبارت دیگر هر کشور متقاضی باید از همان ابتدا و قبل از عضویت کامل خود را در معرض نظارت این سازمان قرار دهد و این سازمان می‌تواند در مورد رژیم تجاری آن کشور بررسی‌هایی را انجام دهد و پرسش‌هایی را از دولت متقاضی مطرح نماید و حتی انجام تغییراتی در نظام اقتصادی دولت متقاضی را تقاضا نماید. این گروه کاری نتایج بررسی‌های خود را به کنفرانس وزیران که بالاترین رکن سازمان است، ارائه می‌نماید و در آن‌جا در مورد الحاق کشور متقاضی تصمیم‌گیری می‌شود. این سازوکار خود نشان‌گر نوعی نظارت دقیق و حساب شده است که حتی قبل از عضویت یک دولت در سازمان در مورد او صورت می‌پذیرد و طبعاً این چنین نظارتی حتی پس از عضویت نیز ادامه می‌یابد و ابعادی وسیع‌تر پیدا می‌نماید. عضویت در سازمان جهانی تجارت مستلزم پذیرش موافقت‌نامه‌های مراکش و معاهدات و اسناد حقوقی مندرج در ضمیمه آن موافقت‌نامه (موسوم به موافقت‌نامه تاسیس سازمان جهانی تجارت) به عنوان یک سند معاهده‌ای واحد (A single treaty instrument) است.

بنابراین، بخشی از ضمانت اجرای تعهدات در سازمان جهانی تجارت را باید ناشی از تمایل و اشتیاق پیوستن به این سازمان و بهره‌مندی از مزایا و منافع عضویت در آن که در واقع عضویت در بازار تجارت جهانی است جستجو کرد. یک واقعیت قابل توجه در حقوق بین‌الملل که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد آن است که دولت‌ها همواره الزامات آن را داوطلبانه رعایت می‌کنند؛ واقعیتی که دلالت بر قانون‌مندی نظام بین‌المللی و وجود جامعه حقوقی بین‌المللی دارد (رستم نژاد، ۱۳۸۴، ص ۱۱).

- نظارت بعد از عضویت (نظارت ارکان سازمان بر حسن اجرای تعهدات)

- کنفرانس وزیران

کنفرانس وزیران بالاترین رکن سازمان جهانی تجارت و متشکل از همه اعضای سازمان است و در نشست‌های آن در خصوص تمامی مسائل مربوط به امور سازمان جهانی تجارت در چارچوب موافقت‌نامه‌های تجاری چند جانبه تصمیم‌گیری می‌شود.^۱ بنابراین کنفرانس وزیران به عنوان ابر ناظر و بالاترین مرجع نظارتی بر همه امور سازمان نظارت عالی دارد و در صورت لزوم در هر مورد تصمیم‌گیری می‌نماید مثلاً طبق بیانیه وزیران در هنگ کنگ در سال ۲۰۰۶ میلادی یک ستاد تاسیس شد تا توصیه‌های لازم را برای عملی کردن برنامه کمک برای تجارت ارائه کند به گونه‌ای که این کمک‌ها در به نتیجه رسیدن موفقیت آمیز جنبه توسعه‌ای برنامه دستور کار توسعه دوحه کار ساز باشد. در این میان نقش سازمان جهانی تجارت بسیج کردن نیروها، نظارت و تحلیل فرآیند کمک به تجارت است (خبرنامه دفتر نمایندگی تام‌الاختیار جمهوری اسلامی ایران، وزارت بازرگانی ۱۳۸۶، ش: ۹۷).

- شورای عمومی

شورای عمومی یکی دیگر از ارکان نظارتی سازمان است که وظائف کنفرانس وزیران را در فاصله میان جلسات آن بر عهده دارد.^۲ شورای عمومی که متشکل از تمامی اعضای سازمان می‌باشد تقریباً هر ماه یک بار تشکیل جلسه می‌دهد (بیدآباد و طبری، ۱۳۸۶). شورای عمومی همچنین در مقام رکن حل اختلاف که در تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات پیش‌بینی شده است نیز عمل می‌نماید. این شورا همچنین مسئولیت‌های رکن بررسی خط مشی تجاری را نیز بر عهده دارد.^۳

۱. بند اول ماده ۴ موافقت‌نامه تاسیس سازمان جهانی تجارت.

۲. بند دوم ماده ۴ موافقت‌نامه تاسیس سازمان جهانی تجارت.

۳. بند سوم و چهارم ماده ۴ موافقت‌نامه تاسیس سازمان جهانی تجارت.

رکن دائمی بررسی خط مشی‌های تجاری (Trade Policy Review Mechanism)

ساز و کار بررسی خط مشی‌های تجاری یکی از ضmann (ضمیمه شماره ۳) موافقت‌نامه تاسیس سازمان جهانی تجارت است. هدف از بررسی خط‌مشی تجاری کمک به تبعیت بهتر اعضا از قواعد و تعهدات سازمان و کارکرد روان تر نظام تجاری چند جانبه از طریق دست یابی به شفافیت بیشتر در سیاست‌ها و رویه‌های اعضا و درک این سیاست‌ها و رویه‌ها است. بنابراین، ساز و کار بررسی، درک و ارزیابی همه‌جانبه و منظم همه انواع خط‌مشی‌ها و رویه‌های یکایک اعضا و اثر آنها بر کارکرد نظام تجاری چند جانبه را امکان‌پذیر می‌سازد.^۱ خط‌مشی‌ها و رویه‌های تجاری همه اعضا بطور متناوب مورد بررسی قرار خواهند گرفت. تاثیر یکایک اعضا بر کارکرد نظام تجاری چند جانبه که بر حسب سهم آنها در تجارت جهانی طی یک دوره نمونه تعیین می‌شود عاملی تعیین کننده در تصمیم گیری راجع به دوره تناوب بررسی‌ها خواهد بود.^۲ به منظور دستیابی به بیشترین میزان شفافیت ممکن هر عضو به طور منظم به رکن بررسی خط‌مشی تجاری گزارش خواهد داد.^۳ به طور کلی هدف از مقررات مربوط به سازوکار بررسی خط‌مشی‌های تجاری تضمین وفاداری اعضا به مقررات سازمان و نظارت بر انجام تعهدات آنها می‌باشد. این بررسی‌ها دولت‌ها را تشویق به تبعیت بیشتر از مقررات و ضوابط سازمان و انجام تعهداتشان می‌نماید. در عمل این بررسی‌ها دو نتیجه کلی در بر دارد:

- ۱- دیگران را قادر می‌سازد تا سیاست‌ها و شرایط یک کشور را درک نمایند؛
- ۲- بازخوردی مناسب از چگونگی عملکرد هر کشور در نظام جهانی را به دولت بررسی شده ارائه می‌دهد.

با استفاده از این سازوکار پس از مدتی سیاست‌های تجاری تمام اعضای سازمان جهانی تجارت رسیدگی دقیق می‌شود. فاصله دفعات بررسی به اندازه کشور بستگی دارد. سیاست‌های چهار قدرت بزرگ تجاری یعنی اتحادیه اروپا، ایالات متحده امریکا، ژاپن و کانادا (گروه چهار) تقریباً هر دو سال یک بار بررسی می‌شوند. شانزده کشور بعدی (به تناسب سهم آنها در تجارت جهانی) هر چهار سال یک‌بار بررسی می‌شوند. سایر کشورها هر شش سال یک‌بار بررسی می‌شوند با امکان در نظر گرفتن فاصله زمانی بیشتر برای کشورهای کمتر توسعه یافته. برای هر بررسی دو سند آماده می‌شود: ۱- اعلامیه کشور تحت بررسی در مورد سیاست تجاری خود؛ ۲- گزارش کتبی تفصیلی که مستقلاً به وسیله دبیرخانه سازمان تجارت جهانی

۱. بند اول بخش اول ساز و کار بررسی خط مشی تجاری، ضمیمه شماره ۳ موافقت‌نامه تاسیس سازمان جهانی تجارت.

۲. بند اول بخش دوم همان منبع.

۳. بخش چهارم همان منبع.

تهیه می‌شود. این دو گزارش همراه با صورت جلسه‌های نشست‌های رکن بررسی سیاست تجاری پس از مدت کوتاهی منتشر می‌شود (WTO, 2008a, p. 53).

- شوراهای فرعی و کمیته‌های تخصصی

موافقت‌نامه تاسیس سازمان جهانی تجارت سه شورای فرعی برای نظارت بر کارکرد سه موافقت‌نامه اصلی و مهم سازمان پیش بینی کرده است: شورایی برای تجارت کالا، شورایی برای تجارت خدمات و شورایی برای جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری که با هدایت کلی شورای عمومی فعالیت می‌کنند. شورای تجارت کالا بر کارکرد موافقت‌نامه‌های تجاری چند جانبه مذکور در ضمیمه یک (بخش اول) نظارت می‌کند. شورای تجارت خدمات بر کارکرد موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات نظارت می‌کند و شورای جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری بر کارکرد موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری نظارت می‌نماید. عضویت در این شوراها برای نمایندگان همه اعضا آزاد است.^۱ این شوراها در صورت لزوم می‌توانند ارکان فرعی تاسیس کنند.^۲ به علاوه هر یک از شوراهای سطوح عالی دارای کمیته‌های تخصصی وابسته به خود هستند که از نظر سلسله مراتب سازمانی در مرحله بعدی از این شوراها قرار می‌گیرند، این کمیته‌ها که متشکل از تمامی اعضای سازمان هستند به شوراهای مربوطه گزارش می‌دهند. همه اعضا سازمان جهانی تجارت می‌توانند در همه شوراها و کمیته‌ها شرکت نمایند. تنها استثنائات در این زمینه رکن استینافی و هیات‌های رسیدگی به حل و فصل اختلافات، رکن نظارت بر منسوجات و کمیته‌های موافقت‌نامه‌های جمعی (Plurilateral Committees) هستند که همه اعضای سازمان نمی‌توانند در آنها شرکت داشته باشند (WTO, 2008b). برخی معتقدند این ساختار پیچیده و غیرمتعارف است و بظاهر تحت تاثیر منافع گوناگون معارض در بین نمایندگان مذاکره کننده در خصوص تلاش برای کنترل بر موضوعات متنوع در سه موافقت‌نامه ضمیمه صورت پذیرفته است و باید دید که در آینده این ساختار چگونه عمل خواهد کرد (جکسون، ۱۳۸۲، ص. ۲۱۹). برخی نیز بر تعداد این همه شورا و کمیته و بر این نکته که همه اعضا می‌توانند در آنها شرکت داشته باشند انتقاد کرده و معتقدند که مدیریت شلوغ (Mass Management) کارایی عملیاتی ندارد (WTO, 2007, p. 101). برخی نیز معتقدند با در نظر داشتن انواع کنترل‌ها و نظارت‌های حاکم بر اختیارات سازمان جهانی تجارت و ارگان‌های فرعی آن و با توجه به این گرایش که سعی دارد از هر گونه تمرکز

۱. بند پنجم ماده ۴ موافقت‌نامه تاسیس سازمان جهانی تجارت.

۲. بند ششم همان ماده.

اختیارات و عملیات در بخش‌های مختلف سازمان پرهیز کند می‌توان انتظار داشت که مشکلات فرا راه موثر بودن سازمان جهانی تجارت افزایش خواهد یافت (جکسون، ۱۳۸۲، ص. ۲۲).

گفتار دوم: توسل به نظام حل و فصل اختلاف و نظارت بر اجرای آرای قضایی

- دستاورد ویژه سازمان جهانی تجارت

حل و فصل اختلافات رکن مرکزی نظام تجارت چند جانبه است و دستاورد ویژه سازمان جهانی تجارت در ثبات اقتصاد جهانی محسوب می‌شود. نظام‌های مبتنی بر قانون بدون وجود ابزاری برای حل و فصل اختلافات و منازعات هیچ‌گونه ارزشی نخواهند داشت زیرا قوانین در آنها قابلیت اجرا و پیاده شدن ندارند. نظام حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت بر پایه مقرراتی روشن استوار است و جدول زمانی برای حل هر مورد اختلاف نیز در آن مشخص شده است (WTO, 2009, p:55). با تاسیس گات در مواد ۲۲ و ۲۳ (گات ۱۹۴۷) نظام حل و فصل اختلافات پیش بینی شد ولی در دوران حیات ۴۸ ساله گات علی‌رغم ارجاع دعوی زیادی به آن به دلیل فقدان ضمانت اجرایی توفیق چندان در این مسیر بدست نیاورد (خبرنامه دفتر نمایندگی تام الاختیار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶، ش: ۹۳). در طول مذاکرات دور اروگوئه دامنه تعهدات گات سابق به مراتب افزایش یافت و از حوزه کالا به حوزه‌های خدمات و مالکیت فکری نیز تسری یافت حجمی وسیع از تعهدات ایجاد شد که باید الزام‌آور می‌گردید و این در صورتی امکان‌پذیر بود که از طریق یک نظام حل و فصل اختلافات موثر از نظر قانونی الزام‌آور و لازم الاجرا گردد (Nattage & Sebastian, 2006, p. 989). لذا در جریان مذاکرات دور اروگوئه اعضا به این نتیجه رسیدند که باید رکن مستقل و با درجه تخصص و کارایی به مراتب بالاتری را برای نظام سازمان جهانی تجارت طراحی کنند. در واقع مذاکره کنندگان دور اروگوئه احساس کردند که آن همه موافقت‌نامه و تعهدات متعدد که در چارچوب سازمان جهانی تجارت شکل گرفته‌اند برای اجرا نیاز به یک پشتوانه قوی و موثر دارند تا متضمن امنیت و قابلیت پیش بینی بودن باشد. پرفسور ساکردوتی (Sacerdoti) رئیس رکن استیناف سازمان جهانی تجارت در اجلاس عمومی سال ۲۰۰۷ سازمان اظهار داشت که نظام حل و فصل اختلافات در کل نظام تجاری چند جانبه سازمان توجه بسیاری را به خود جلب کرده است زیرا این سیستم خیلی ماهرانه طراحی شده و می‌تواند به عنوان یک الگو برای سایر نظام‌های قضایی و شبهه قضایی در سازمان‌های دیگر مورد استفاده قرار گیرد (WTO, 2008, p. 196). بنابراین، تعهدات این سازمان از طریق توسل به نظام حل و فصل اختلافات که جنبه اجباری دارد نیز قابل اجراست. تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات که پیوست شماره ۲ موافقت‌نامه

تاسیس سازمان و جزء لاینفک آن می‌باشد در واقع حل و فصل اختلافات آن را تضمین می‌نماید (Jennings, 2004, p.2). نظام فعلی حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت در سطحی وسیع مورد استفاده اعضا قرار گرفته و به عنوان یک رکن قوی موثر از دید اعضای سازمان و مفسران امور مرتبط با آن تلقی می‌گردد (Steger, 2007, p.484). این رکن قضایی سازمان می‌تواند مجوز اقدامات تجاری تلافی جویانه را صادر کند. چنین اقداماتی همچنین در موارد عدم رعایت موافقت‌نامه‌ای قاعده‌ساز نیز وجود دارد. این عنصر کلیدی دولت‌ها را قادر می‌سازد اعتبار تعهدات قاعده‌ساز (Regulatory Commitments) را افزایش دهند (2006, p. 856, Bievre).

- مرجع ناظر بر اجرای توصیه‌ها و احکام

در نظام حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت ضعف‌های موجود در روند اجرای آرای قضایی بین‌المللی تا حدود زیادی مرتفع شده است. این نهاد یک صلاحیت اجباری برای حل و فصل اختلاف تجاری بین اعضا سازمان دارد و همه اعضا می‌توانند به آن رجوع نمایند و در آن احکام به وسیله اشخاص مستقل (از دولت‌ها) صادر می‌شود و در مرحله اجرای احکام نظارت چند جانبه مستمر وجود دارد تا زمانی که رضایت دولت شاکی جلب گردد (Lamy, 2007, p. 976). تفاهم نامه حل اختلاف مقرر می‌دارد که رکن حل اختلاف بر اجرای توصیه‌ها یا احکام مصوب نظارت خواهد داشت و اگر تصمیم دیگری اتخاذ نکرده باشد مسئله اجرای توصیه‌ها یا احکام شش ماه پس از تاریخ تعیین فرصت معقول در دستور کار جلسات رکن حل اختلاف قرار خواهد گرفت و تا حل مسئله در دستور کار رکن حل اختلاف باقی خواهد ماند.^۱

- مهلت اجرای توصیه‌ها و احکام

پس از آن که گزارش هیات رسیدگی یا رکن استیناف به تصویب رکن حل اختلاف رسید ظرف مدت ۳۰ روز دولت محکوم شده قصد خود را در مورد اجرای توصیه‌ها و احکام به رکن حل اختلاف در جلسه آن رکن اطلاع خواهد داد. اگر رعایت فوری توصیه‌ها و احکام مزبور عملی نباشد عضو مربوطه فرصتی معقول را جهت انجام چنین کاری در اختیار دارد.^۲ در صورتی که کشور مذکور نتواند در زمان تعیین شده خود را با توصیه‌های مزبور در گزارش‌های هیات رسیدگی یا رکن استیناف تطبیق دهد باید با کشور یا کشورهای شاکی

۱. بند ششم ماده ۲۱ تفاهم‌نامه حل اختلاف.

۲. بند سوم همان ماده.

مذاکره کند تا جریمه‌هایی که مورد قبول طرفین باشد مثلاً کاهش تعرفه‌ها در زمینه‌های مورد نظر شاکی برای آن کشور تعیین شود (WTO, 2009, p. 58). اگر عضو محکوم در دوره زمانی معقول از تطبیق اقدامات خود با تعهدات سازمان امتناع نماید دولت شاکی برنده می‌تواند به اقدامات موقتی علیه دولت محکوم متوسل گردد. و مرحله‌ای دیگر شامل جبران و تعلیق امتیازات مطرح می‌گردد.

- منع اتخاذ تصمیمات یک جانبه اعضاء

بر اساس مقررات سازمان جهانی تجارت اعضاء نباید به اتخاذ تصمیمات یک طرفه علیه یکدیگر اقدام کنند. بلکه موظفند تا دعوی خود را از طریق رکن حل و فصل دعاوی سازمان و طبق مقررات آن حل و فصل نمایند. پیتر ساترلند دبیر کل سابق سازمان جهانی تجارت معتقد است این که تمامی اعضای سازمان جهانی تجارت پذیرفته‌اند که از قضاوت‌ها و همچنین اقدامات یک جانبه و خود سرانه نسبت به تشخیص این که دیگر اعضاء سازگار با مقررات سازمان عمل کرده‌اند یا خیر خوداری کنند عامل کارآیی نظام حل و فصل اختلاف می‌باشد و این محدودیت اهمیت بسیار در تضمین این امر دارد که نظام تجارت چند جانبه برای تشخیص اقدام در برابر اختلافات تجاری نظامی مبتنی بر قانون و قاعده حقوقی می‌باشد و نه نظامی مبتنی بر قدرت اقتصادی (Sutherland, 2004, para 220). این رویکرد در سازمان جهانی تجارت که اعضای آن طیفی گسترده از کشورهای جهان از قدرت‌مندترین کشورهای اقتصادی جهان تا فقیرترین آن‌ها را در بر دارد بسیار حائز اهمیت است و شیرازه این نظام را تشکیل می‌دهد. زیرا اگر قدرت‌های بزرگ اقتصادی در صورت اختلاف نظر در مورد نقض تعهدات سازمان با کشورهای ضعیف خودسرانه اقدام می‌نمودند کل نظام سازمان جهانی تجارت زیر سؤال می‌رفت و شیرازه آن از هم می‌پاشید. اما خوشبختانه در این مورد واقعیت‌های جاری امیدوار کننده است. به عنوان مثال، صدور رای نهایی رکن حل اختلاف به نفع کشور کوچک آنتیگوا و باربودا با ۶۹ هزار و ۴۸۱ نفر جمعیت در منطقه کارائیب و علیه آمریکا در روز ۳۰ مارس ۲۰۰۷ با واکنش گسترده در محافل تجاری جهان روبرو شد (خبرنامه دفتر نمایندگی تام الاختیار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶، ش: ۹۳). ضمناً نظام قضایی سازمان برای همه اعضاء اجباری است برخلاف سایر دیوان‌های بین‌المللی مثل دیوان بین‌المللی دادگستری، همه اعضای سازمان جهانی تجارت صلاحیت اجباری و انحصاری رکن حل و فصل اختلاف برای همه موضوعات مربوط به موافقت‌نامه‌های سازمان را پذیرفته‌اند (Lamy, 2007, p. 976).

گفتار سوم: ابزارهای ضمانت اجرای آرای قضایی

- اقدامات پس از دادرسی

پس از صدور رای توسط هیات رسیدگی یا رکن استیناف و تایید آن توسط رکن حل اختلاف اگر دولت محکوم آن حکم را اجرا نکرد و به نقض موافقت‌نامه ادامه داد باید طریق جبران را ارائه کند و یا این که باید تنبیهی مناسب برای آن کشور در نظر گرفته شود که با تحمیل همراه خواهد بود. موافقت‌نامه حل و فصل اختلافات بر این نکته تاکید دارد که رعایت فوری توصیه‌ها یا احکام رکن حل اختلاف توسط کشورها برای تضمین حل موثر اختلافات لازم و ضروری است و این به نفع کلیه اعضا می‌باشد (WTO, Settling Disputes, 2009, p. 58). در صورتی که توصیه‌ها و احکام ظرف فرصتی معقول به اجرا در نیایند جبران (compensation) و تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات (Suspension of concessions or other obligations) مطرح می‌شوند.^۱ البته دولت‌ها در این مرحله غالباً به جای تحمل چنین تحریم‌هایی به مذاکره برای دستیابی به جایگزین‌های دیگر می‌پردازند. این سازوکار به ظاهر ساده اجرایی به طور قابل ملاحظه در مورد رعایت موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت موثر بوده است (Antell, 2005, p. 528). لذا صرف وجود همین سازوکار اقدامات متقابل تجاری (Trade Countermeasures) که کشور خاطی در صورت امتناع از اجرای آراء هیات رسیدگی یا رکن استیناف با آن روبرو می‌شود و به عبارتی از منافع حضور در سازمان جهانی تجارت محروم می‌گردد به عقیده پروفیسور ساکروودوتی رئیس رکن استیناف سازمان جهانی تجارت به صورت یک انگیزه‌ای برای رعایت داوطلبانه احکام سازمان عمل می‌نماید (WTO, 2008c, p.107). بنابراین از میان ضمانت اجرای موجود در حقوق بین‌الملل در سازمان جهانی تجارت تنها دو شیوه جبران و تعلیق امتیازات که نوعی اقدام تلافی جویانه محسوب می‌گردد به عنوان پشتوانه احکام قضایی رکن حل اختلاف انتخاب شده است.

۱- جبران خسارت (غرامت)

جبران خسارت در مفهوم موسع شامل اعاده وضعیت به حال سابق به طور کامل و یا پرداخت غرامت می‌شود. اما در معنی مضیق جبران خسارت به معنی پرداخت غرامت است. پرداخت غرامت شکلی از جبران خسارت است که با پرداخت پول صورت می‌گیرد (مستقیمی و طارم سری، ۱۳۷۷، ص: ۲۴۲). اما در نظام سازمان جهانی تجارت این جبران به معنی پرداخت به صورت وجه پولی نیست بلکه بیشتر بدین معنی است که دولت بازنده باید یک منفعتی مثل کاهش تعرفه را به دولت برنده اعطاء نماید که این کاهش تعرفه برابر با همان منفعتی است که

۱. بند اول ماده ۲۲ تفاهم‌نامه حل اختلاف.

دولت زیان دیده در اثر اقدام دولت خاطی از دست داده است (WTO, 2008d, para. 6.9). لذا بر اساس مقررات گات و سازمان جهانی تجارت اقدامات جبرانی به طور سنتی پرداخت‌های مالی نبوده است، بلکه برعکس این اقدامات عموماً ناظر بر اعطای دسترسی بیشتر به بازار توسط طرف بازنده در راستای اجرای تعهدات ناشی از سازمان جهانی تجارت بوده است. در صورت عدم وجود توافق بر جبران خسارت یا اعطای هر چه بیشتر دسترسی به بازار طرف برنده می‌تواند اقداماتی را در جهت تعلیق تعهدات نسبت به طرف بازنده اتخاذ نماید (Sutherland, 2004, para. 238).

باید توجه داشت که جبران خسارت یک امر توافقی است یعنی یک الزام خودکار برای جبران خسارت وجود ندارد (Carmody, 2008, p. 543) بلکه دولت بازنده در مورد توافق بر سر جبران خسارت از اختیار کامل برخوردار است. تفاهم‌نامه حل اختلاف در این مورد مقرر می‌دارد؛ اگر عضو مربوطه اقدامی را که معلوم شده با یک موافقت‌نامه تحت پوشش مغایرت دارد با آن منطبق نسازد یا به گونه‌ای دیگر توصیه‌ها و احکام را ظرف فرصت معقول تعیین شده رعایت نکند در صورت درخواست دولت زیان دیده، دولت خاطی با او حداکثر تا انقضای فرصت معقول به منظور ارائه یک طریقه جبران که مورد قبول طرفین باشد وارد مذاکره می‌شود. اگر ظرف ۲۰ روز پس از تاریخ انقضای فرصت معقول در مورد طریقه جبران رضایت بخشی توافق نشود کشوری که به رویه‌های حل اختلاف متوسل شده است می‌تواند برای تعلیق اجرای امتیازات یا سایر تعهدات مندرج در موافقت‌نامه‌های تحت پوشش از رکن حل اختلاف کسب اجازه کند.

همین موضوع لزوم توافق در مورد جبران خسارت و شکل غیر مالی آن یکی از دلایلی است که به علت آن اعضاء به سختی تن به جبران خسارت می‌دهند زیرا اگر جبران خسارت در قالب مثلاً کاهش تعرفه باشد به خاطر اصل دولت‌های کامل‌الوداد دولت‌هایی غیر از دولت شاکی نیز از آن بهره‌مند می‌شوند و لذا دولت خاطی تن به چنین جبران خسارتی نمی‌دهد (WTO, 2008d, para. 6.9). از همین رو برخی بر اختیاری بودن سازوکار جبران خسارت خرده گرفته‌اند و معتقدند اگر هدف موافقت‌نامه‌های تجاری سازمان افزایش رفاه اقتصادی باشد در بحث نقض تعهدات لازم است هم به تطبیق مقررات دولت خاطی با مقررات سازمان و هم به جبران خسارت توجه شود و جبران خسارت می‌تواند به شکل پرداخت مالی باشد (Geen, & Trebilcock, 2007, p. 653).

برخی صاحب‌نظران پیشنهاداتی در جهت اصلاح وضع پرداخت غرامت ارائه نموده‌اند مثلاً در گزارش ارائه شده توسط گروهی متشکل از ۱۸ استاد و صاحب‌نظر تحت ریاست وزیر سابق تجارت کانادا که هدف آن بررسی راه کارهایی برای خدمت بهتر نظام تجارت چند جانبه

سازمان جهانی تجارت به جامعه جهانی بوده است پیشنهاداتی برای اصلاح این نظام ارائه شده که یکی از آن‌ها مقرر کردن غرامت نقدی در مواردی است که یک عضو سازمان از حکم رکن حل اختلاف پیروی نمی‌کند (Warwick Commission, 2008, p. 455). در واقع این پیشنهاد به معنی الزامی کردن پرداخت خسارت است که شاید برای کشورهای فقیرتر خوشایند باشد.

۲- تعلیق امتیازات

تعلیق امتیازات به منزله مقابله به مثل (Retaliation) است و به عنوان آخرین حربه برای اجبار دولت خاطی و تضمین التزام او به تعهدات سازمان جهانی تجارت پیش بینی شده است و برخی معتقدند سازمان جهانی تجارت به خاطر همین اختیاری که به اعضاء برای اقدامات تلافی‌جویانه بر اساس کسب مجوز داده است به عنوان قوی‌ترین موسسه بین‌المللی در انتهای قرن بیستم محسوب می‌شود (Cothier, 2007, p:498). اگرچه در متن مقررات گات و نیز تفاهم‌نامه حل اختلاف، ذکری از مقابله به مثل نشده است لیکن اکثر نویسندگان تعلیق امتیاز را از جمله عملیات تلافی‌جویانه و مقابله به مثل می‌دانند. به نظر می‌رسد اگرچه این مطلب از مجموع مقررات استنباط می‌شود لیکن تهیه کنندگان اسناد دور اروگوئه عامداً از به کار بردن لفظ تلافی و مقابله به مثل خودداری کرده تا از گسترش روحیه اختلاف در میان دول عضو جلوگیری نمایند (کدخدائی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۳). البته بر این روش در حیطه اجرایی و در عمل انتقاداتی نیز وارد شده است. وقتی که کشور خوانده یا خاطی از رعایت حکم در دوره زمانی معقول تعیین شده امتناع کند یا به یک توافق رضایت بخشی به صورت دو جانبه با کشور شاکی نرسد کشور شاکی می‌تواند با کسب مجوز از سازمان اقدام متقابل یا تلافی را در پیش گیرد. تفاهم‌نامه تصریح می‌کند که سطح تلافی باید برابر با سطح از میان رفتن منافع (Nullification) یا لطمه به این منافع (Impairment) باشد^۱. اما روشن نیست که چه معیار دقیق اقتصادی باید برای سنجش سطح از میان رفتن منافع یا لطمه به منافع و همچنین سطح تلافی بکار رود (Chang, 2004, p:10). اگر ظرف ۲۰ روز پس از تاریخ انقضای فرصت معقول در مورد طریقه جبران رضایت بخشی بین طرفین اختلاف توافق نشد شاکی می‌تواند برای تعلیق اجرای امتیازات یا سایر تعهدات مندرج در موافقت‌نامه‌های تحت پوشش از رکن حل اختلاف کسب اجازه کند^۲. بنابراین، اعمال تعلیق امتیازات منوط به درخواست از رکن حل اختلاف و کسب مجوز از آن می‌باشد.

۱. بند چهارم ماده ۲۲ تفاهم‌نامه حل اختلاف.

۲. بند دوم ماده ۲۲ تفاهم‌نامه حل اختلاف.

تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات جنبه موقتی دارد و تا زمانی اعمال خواهد شد که اقدام مغایر با موافقت‌نامه تحت پوشش کنار گذاشته شود یا عضوی که باید توصیه‌ها یا احکام را رعایت راه‌حلی را در مورد جلوگیری از میان رفتن منافع یا لطمه به این منافع ارائه دهد یا راه‌حل مرضی‌الطرفین بدست آید. رکن حل اختلاف همچنان بر اجرای توصیه‌ها یا احکام مصوب نظارت خواهد داشت.^۱ جنبه موقتی داشتن اقدامات متقابل ناشی از این حقیقت است که تعلیق تعهدات و امتیازات باعث تعادل مجدد منافع تجاری متقابل می‌شود و روشن است که دولت یا دولت‌های شاکی که اقدام به تعلیق تعهدات می‌کنند قصدشان ترغیب به رعایت تعهدات از سوی دولت خاطی است (WTO, 2008d, para.6.10) و لذا تا زمانی ادامه می‌یابد که دولت خاطی تغییر موضع داده به پیروی از تعهدات ترغیب گردد زیرا اصولاً اقدام متقابل مغایر با هدف اصلی سازمان جهانی تجارت یعنی ارتقاء و بهبود تجارت بین‌الملل است و هدف محدود ساختن چنین تجارتی نیست (Sutherland, 2004, para.240).

- انواع تعلیق امتیازات و تعهدات

امتیازاتی که تعلیق می‌شوند مثلاً ممکن است تعهدات مربوط به کاهش تعرفه باشد که اعضای سازمان در مذاکرات تجاری چند جانبه اعطاء می‌کنند و بر اساس ماده دوم گات ۱۹۹۴ برای آن‌ها لازم‌الاجراست. چنین تعلیقی بر پایه اصل تبعیض تنها علیه عضو خاطی اعمال می‌شود و دیگر اعضای سازمان را شامل نمی‌گردد. در مورد نوع تعهداتی که می‌توانند تعلیق شوند تفاهم‌نامه سه نوع تعلیق را تجویز می‌نماید:

۱- تعلیق در بخش‌های یکسان (The same sector)

اصل کلی آن است که طرف شاکی ابتدا باید تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات را در مورد همان بخش (بخش‌هایی) که هیات رسیدگی یا رکن استیناف نقض یا سایر موارد از میان رفتن منافع یا لطمه به این منافع را در آن (یا آن‌ها) تشخیص داده مطالبه کند.^۲ اما باید دید منظور از بخش در این ارتباط چیست. بر اساس مقررات تفاهم‌نامه حل اختلاف در این مورد کل موافقت‌نامه‌های تجاری چند جانبه طبق ضمیمه شماره یک موافقت‌نامه تاسیس به سه قسمت زیر تقسیم شده است:

الف- موافقت‌نامه‌های چند جانبه راجع به تجارت کالا؛

ب- موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات؛

۱. بند هشتم همان ماده.

۲. پاراگراف اول بند سوم ماده ۲۲ تفاهم‌نامه حل اختلاف

ج- موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری.

در درون این سه قسمت، بخش‌ها بدین صورت تعریف شده که در مورد موافقت‌نامه‌های چند جانبه راجع به تجارت کالا بخش به معنی همه کالاهاست یعنی همه کالاها در یک دسته به نام بخش قرار دارند. در مورد موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات، بخش به معنای یک بخش اصلی به نحو مذکور در فهرست طبقه‌بندی خدمات بر حسب بخش است که آن‌ها را مشخص کرده است.^۱

در مورد حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت بخش به معنای هر یک از مقولات حقوق مالکیت فکری مشمول بخش ۱، بخش ۲ یا بخش ۳ یا بخش ۴ یا بخش ۵ یا بخش ۶ یا بخش ۷ از قسمت ۲ یا تعهدات مذکور در قسمت ۳، یا قسمت ۴ موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری است.^۲ این بدان معنی است که مثلاً در پاسخ به نقض صورت گرفته در حوزه خدمات توزیعی (The area of distribution services) اقدام متقابل نیز باید در حوزه همین بخش باشد. در مورد تجارت کالا با توجه به دستورالعمل فوق که همه کالاها در یک بخش لحاظ شده‌اند، اگر تعرفه ناسازگار با مقررات سازمان در مورد مثلاً اتومبیل (به عنوان یک کالا) باشد می‌توان اقدام متقابل را در مورد تعرفه هر کالای دیگر مثلاً پنیر، اسباب منزل یا شلوار لباس‌های زیر پوش به عنوان یک کالای دیگر اعمال کرد (WTO, 2008d, para.6).

۲- تعلیق در بخش دیگر همان موافقت‌نامه

اگر دولت شاکی تشخیص دهد که تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات در مورد همان بخش (بخش‌ها) عملی یا موثر نیست می‌تواند تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات در بخش‌های دیگر همان موافقت‌نامه را مطالبه کند.^۳ این مقرره مربوط به حوزه کالا نمی‌شود، زیرا چنان‌که ملاحظه شد همه کالاها در یک بخش قرار داده شده‌اند. اما در مورد دو موافقت‌نامه دیگر یعنی در حوزه تجارت خدمات و تجارت حقوق مالکیت معنوی مصداق پیدا می‌کنند. مثلاً اگر نقض تعهد در رابطه با حق اختراع باشد اقدام متقابل می‌تواند در رابطه با علامت تجاری صورت گیرد. همین‌طور در مورد تجارت خدمات اگر نقض صورت گرفته در حوزه خدمات توزیعی باشد می‌تواند در حوزه خدمات بهداشتی اقدام متقابل انجام داد (WTO, 2008d, para.6).

۱. این فهرست در سند MTW.GNS/W/120 یازده بخش را مشخص نموده است

۲. پاراگراف ششم بند سوم ماده ۲۲ تفاهم‌نامه حل اختلاف.

۳. پاراگراف دوم بند سوم ماده ۲۲ تفاهم‌نامه حل اختلاف.

۳- تعلیق در موافقت نامه دیگر

اگر دولت شاکی تشخیص دهد که تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات در مورد بخش‌های دیگر همان موافقت‌نامه عملی یا موثر نیست و اوضاع و احوال به اندازه کافی وخیم باشد می‌تواند تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات در موافقت‌نامه تحت پوشش دیگری را مطالبه نماید.^۱ بنابراین با توجه به این مقررۀ مثلاً اگر نقض تعهد در مورد حق اختراع که مربوط به موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی است، صورت گرفته باشد؛ می‌توان اقدام متقابل را در مورد خدمات بهداشتی که مربوط به موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات است انجام داد. امکان تعلیق در بخش‌های دیگر یا موافقت‌نامه‌های دیگر را اقدام متقابل متفاوت می‌نامند.

هدف از ایجاد این سلسله مراتب، کاهش فرصت‌های اقدام علیه بخش‌های غیر مرتبط و در عین حال تجویز تاثیرگذاری اقدامات متقابل است. به خصوص در مورد کشورهای در حال توسعه و کوچک‌تر عضو سازمان امکان تعلیق تعهدات در یک بخش متفاوت یا در یک موافقت‌نامه دیگر می‌تواند حائز اهمیت باشد. زیرا نخست اینکه، این‌گونه کشورها همیشه کالا یا خدمات یا حقوق مالکیت فکری (به اندازه کافی) در همان بخش‌هایی که نقض تعهد صورت گرفته وارد نمی‌کنند. این می‌تواند باعث شود که آن‌ها نتوانند معادل همان سطحی که منافعتشان از میان رفته یا لطمه دیده است مقابله به مثل کنند؛ مگر آن که اجازه داشته باشند در بخش‌های دیگر یا در موافقت‌نامه‌های دیگر دست به اقدام متقابل بزنند. دوم اینکه، تعلیق در همان بخش یا تحت همان موافقت‌نامه می‌تواند غیرموثر یا غیرعملی باشد، زیرا این رابطه تجاری دو جانبه نامتقارن (Asymmetrical) است. بدین معنی که نسبت به دولت شاکی مهم است و برای دولت خاطی مهم نیست، به خصوص اگر دولت خاطی یک کشور تجاری بزرگ باشد. در این صورت اثرات تعلیق تعهدات و تحمیل موانع تجاری ممکن است در آمار تجاری دولت خاطی حتی به حساب هم نیاید. سوم اینکه ممکن است برای کشورهای در حال توسعه تحمیل موانع تجاری علیه واردات از نظر اقتصادی امکان‌پذیر نباشد و توان این کار را نداشته باشند زیرا این باعث کاهش موجودی و در نتیجه افزایش قیمت آن محصولات وارداتی می‌شود که ممکن است تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آن کشورها به آن‌ها وابسته باشند. به همین دلایل برای کشورهای در حال توسعه خیلی مهم است که بتوانند از روش‌هایی برای تعلیق تعهدات استفاده کنند که منجر به موانع تجاری نشود. این موضوع یعنی تفاوت سطح اقتصادی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته به طور کلی در مورد شیوه‌های جبران خسارت در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت از اهمیت بسیار برخوردار است زیرا

۱. پاراگراف سوم بند سوم ماده ۲۲ تفاهم‌نامه حل اختلاف.

کشورهای بزرگتر با اعمال آنها می‌توانند کشورهای در حال توسعه را برای اجرای احکام به مراتب بیشتر تحت فشار قرار دهند در حالی که عکس این قضیه صادق نمی‌باشد. (WTO, 2008d, para.6). در مورد کشورهای فقیر عضو سازمان جهانی تجارت که اساساً از نظر اقتصادی روابطشان با کشورهای قدرتمند اقتصادی عضو سازمان عمدتاً رابطه‌ی یک‌طرفه است وضع به مراتب بدتر است. این کشورها عموماً امکان استفاده از اقدامات تلافی‌جویانه را بدون وارد کردن آسیب بر پیکر اقتصاد خودشان ندارند (Sutherland, 2004, para.243). هر نوع اقدام متقابلی حتی اگر برای آنها امکان‌پذیر باشد می‌تواند دشواری‌های به مراتب سنگین‌تری از میان رفتن کامل منافع یا لطمه به بخشی از منافعشان برای آنها در پیش داشته باشد و لذا یا باید از دادخواهی دست کشیده و منصرف گردند و یا تن به دشواری‌های مضاعف دهند.

نتیجه

در سازمان جهانی تجارت سازوکارهای مختلف به عنوان ضمانت اجرای تعهدات پیش‌بینی شده است که شامل دو دسته اصلی نظارت بر اجرای تعهدات و توسل به نظام حل‌وفصل اختلافات می‌شود. نظارت بر اجرای تعهدات در این سازمان هم‌زمان با تقاضای عضویت در آن آغاز می‌شود. هر دولت متقاضی برای الحاق به آن باید راهی طولانی را بپیماید و تغییراتی در نظام اقتصادی خود ایجاد نماید تا شایستگی لازم و کافی برای ورود به این باشگاه اقتصادی جهانی را کسب کند. مذاکرات الحاق در واقع نخستین قدم در راه نظارت سازمان بر اقتصاد ملی دولت متقاضی است. کشور متقاضی باید از همان ابتدا و قبل از عضویت کامل خود را در معرض نظارت این سازمان قرار دهد و این سازمان می‌تواند در مورد رژیم تجاری آن کشور بررسی‌هایی را انجام دهد و پرسش‌هایی را از دولت متقاضی مطرح نماید و حتی انجام تغییراتی در نظام اقتصادی دولت متقاضی را تقاضا نماید. این سازوکار خود نشان‌گر نوعی نظارت دقیق و حساب شده است که حتی قبل از عضویت یک دولت در سازمان در مورد او صورت می‌پذیرد و طبعاً این چنین نظارتی حتی پس از عضویت نیز ادامه می‌یابد و ابعادی وسیع‌تر می‌یابد.

نظارت بعد از عضویت بر حسن اجرای تعهدات نیز به طور مستمر توسط ارکان مختلف سازمان اعمال می‌گردد و خط مشی‌ها و رویه‌های تجاری همه اعضا متناوباً مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین هر عضو به طور منظم به رکن بررسی خط مشی تجاری گزارش می‌دهد. این بررسی‌ها دولت‌ها را تشویق به تبعیت بیشتر از مقررات و ضوابط سازمان و انجام تعهداتشان می‌نماید. دیگر ضمانت اجرای تعهدات توسل به رکن حل اختلافات سازمان است که در سطحی وسیع مورد استفاده اعضا قرار گرفته و به عنوان یک رکن قوی و موثر از دید

اعضا و مفسران امور سازمان تلقی می‌گردد که در مرحله اجرای احکام آن نظارت چند جانبه مستمر وجود دارد تا زمانی که رضایت دولت شاکی جلب گردد. این رکن قضایی سازمان می‌تواند در صورتی که توصیه‌ها و احکام آن ظرف فرصت معقول به اجرا در نیایند مجوز اقدامات تجاری تلافی‌جویانه را صادر کند که تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات به صورت موقتی می‌باشد. البته دولت‌ها در این مرحله غالباً به جای تحمیل چنین تحریم‌هایی به مذاکره برای دستیابی به جایگزین‌های دیگر می‌پردازند. این سازوکار به ظاهر ساده اجرایی به طور قابل ملاحظه در مورد رعایت موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت موثر بوده است. بهر تقدیر علی‌رغم همه تمهیداتی که برای ایجاد سازوکارهای اجرای تعهدات در چهارچوب سازمان جهانی تجارت صورت پذیرفته هنوز هم کشورهای در حال توسعه راهی دشوار برای احقاق حقوق خویش در پانل‌های حل اختلاف دارند.

منابع و ماخذ

الف - فارسی

۱. بید آباد، بیژن و طبری، فتحه (۱۳۸۶)، سازمان جهانی تجارت و الحاق ایران. در سایت اینترنتی: <http://www.bidabad.com/doc/wto-iran.html>.
۲. جکسون، جان (۱۳۸۲)، **نهادهای بین‌المللی تجارت، گات و سازمان جهانی تجارت**، ترجمه دکتر محمد جعفر قنبری جهرمی، مجله حقوقی شماره ۲۸.
۳. دفتر نمایندگی تام‌الاختیار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶)، خبرنامه شماره ۹۳، سال یازدهم.
۴. دفتر نمایندگی تام‌الاختیار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶)، خبرنامه شماره ۹۷، سال یازدهم.
۵. رستم نژاد، حسینعلی (۱۳۸۴)، **جامعه بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی**، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۳.
۶. فاخری، مهدی (۱۳۸۶)، **راه کارهای الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت**، نشر ثالث، تهران.
۷. کدخدایی، عباس (۱۳۷۶)، **نگرشی بر ساختار مرجع حل و فصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی**، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۱.
۸. مستقیم، بهرام و طارم سری، مسعود (۱۳۷۷)، **مسئولیت بین‌المللی دولت**، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران.

ب - خارجی

- 1- Antell, Geoffrey (2005), **Book review**, Harvard International Law Journal, vol. 46, No. 1.
- 2-Bievre, Dirk (2006), **The Eu regulatory trade agenda and the quest for WTOenforcement**, The Journal of European public policy, Vol. 13, No. 6.
- 3- Carmody, Chias (2008), **A Theory of WTO law**, Journal of International Economic law, vol. 11, No. 3.
- 4-Chang, Pao-li (2004), **The Politics of WTO Enforcement Mechanism**, Singapore management University, at: <http://www.mysmu.edu/faculty/plchang/papers/enforce1.pdf>.
- 5-Cothier, Thomas, (2007), **Preparing for structural reform in the WTO**, Journal of International Economic Law, Vol. 10, No. 3.

- 6-Geen, Andrew and Trebilcock, Michael (2007), **Enforcing WTO obligation: what can we learn from export subsidies**, Journal of International Economic Law, vol. 10, No. 3.
- 7-Lamy, Pascal (2007), **The place of the WTO and its law in the International order**, The European Journal of International law, Vol. 17, No. 5.
- 8-Jennings, Mark, (2004), **The WTO and International law, WTO law and international law**, Anzsil conference.
- 9-Nottage, Hunter and Sebastian, Thomas (2006), **Giving legal effect to the results of WTO trade negotiations: An analysis of the methods of changing the WTO law**, Journal of International Economic law, Vol. 9, No. 4.
- 10-WTO (2007), **Understanding the WTO**, at: [Http://www.wto.org/English/thewto -e / what is-e / tif - e/understanding - e . pdf](http://www.wto.org/English/thewto-e/whatis-e/tif-e/understanding-e.pdf).
- 11- WTO (2008a), **The Agreements**, at: [Http://www.wto.org/ English/thewto-e/whatis-e/tif-e/utw-chap2.epdf](http://www.wto.org/English/thewto-e/whatis-e/tif-e/utw-chap2.epdf).
- 12-WTO (2008b), **About the organization**, at: [Http://www.wto.org/English/thewto-e/English/thewto-e/the-wto-e.htm](http://www.wto.org/English/thewto-e/English/thewto-e/the-wto-e.htm).
- 13-WTO (2008c), **WTO public Forum, How can the WTO help Harness Globalization?**, WTO Secretariat. Geneva, wto publication.
- 14-WTO (2008d), **Dispute Settlement System Training Module**, Chapter 6, at: <http://www.wto.org/english/tratop-e/dispu-e/disp-settlement-cbt-e/c659.p1-e.htm>.
- 15-WTO (2009), **Settling Disputes**, at: [http:// www.wto.org/english/thewto-e/whatis-e/tif-e/utw-chap3-e.pdf](http://www.wto.org/english/thewto-e/whatis-e/tif-e/utw-chap3-e.pdf),p.55.
- 16- Sutherland, Peter, et. el. (2004), **The future of the WTO**, Geneva, WTO publication
- 17- Steger, Debra (2007), **The culture of the WTO: why it needs to change**, Journal of International Economic Law, Vol. 10, No. 3.
- 18- warwick Commission (2008), Report of the First warwick commission, **The Multilateral Trade Regime: Which Way Forward?**, Book review, world Trade Review, Vol. 7, No. 2.